

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه قم
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

عنوان:

بررسی روش شناسی ترجمه استعاره در خطبه های
بیست و یکم تا پنجاهم نهج البلاغه (ترجمه های
فیض الاسلام، دشتی و شهیدی (ره))

استاد راهنما:

دکتر حیدر محلاتی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد رضی مصطفوی نیا

نگارنده:

حبیب برانیمه

زمستان ۱۳۸۹

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم و تمامی جویندگان علم و معرفت

تشر و قدر دانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید گرانقدر خود کمال تشکر قدر دانی را داشته باشم.

از استاد گرامی خود آقای دکتر محلاتی که راهنمایی بنده در به انجام رساندن پایان نامه را به عهده داشتند و در این راستا از هیچ کوششی دریغ نورزیدند کمال تشکر را دارم.

از استاد گرامی خود آقای دکتر مصطفوی نیا به عنوان مشاور که با راهنماییهای ره گشایی خود مرا مورد لطف خود قرار دادند نهایت تشکر و قدر دانی را دارم.

چکیده

استعاره در زمره قوی ترین و متعالی ترین فنون بیانی به شمار می آید. واژه یا عبارتی است که در غیر معنای حقیقی خود با هدف تاثیر گذاری بیشتر به کار می رود. در کلام امیر المومنین (ع) نیز استعاره به فراوانی یافت می شود که تشخیص ارکان آن، به آسانی میسر نیست. چرا که استعاره از اساسی ترین وجوه زبان تخیلی، و عنصری اساسی در فرآیند ارتباطی شمرده می شود. در ترجمه استعاره خصوصا در متون دینی چون نهج البلاغه که در هر صورت ادب و بلاغت را در واژه خود جای داده است، باید با نکات بلاغی و شرایط ترجمه آشنا بود. ترجمه تحت اللفظی استعاره، به کار بردن استعاره معادل دیگر در زبان مقصد، ترجمه به تشبیه، ترجمه به جامع، تصریح به حقیقت استعاره و ترجمه آزاد از روش هایی است که دشتی، شهیدی و فیض الاسلام در ترجمه هشتاد و پنج استعاره مفرد و تمثیلیه خطبه های بیست و یک تا پنجاهم به کار برده اند. این نتایج بعد از استخراج استعاره خطبه های ذکر شده و دقت در شناسایی و فهم خطبه ها و سپس ترجمه های سه مترجم یاد شده همراه با روش ترجمه آنها بدست آمده است. که در نهایت سه مترجم به ترجمه تحت اللفظی گرایش زیادی داشته اند. برای هر استعاره ترجمه پیشنهادی نیز آورده شده است که از اهداف این پایان نامه و یکی از راههای نقد و بررسی ترجمه های سه مترجم به شمار می آید.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، ترجمه، استعاره

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	مقدمه.....
	فصل اول: ترجمه، مبانی و روشهای آن
۶	۱-۱- ریشه یابی لفظ ترجمه.....
۸	۱-۲- تعریف ترجمه.....
۹	۱-۳- تاریخچه ترجمه.....
۱۰	۱-۴- اهمیت ترجمه.....
۱۱	۱-۵- دشواری ها و مشکلات ترجمه.....
۱۳	۱-۶- مشکلات خاص ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس.....
۱۶	۱-۷- شرایط ترجمه خوب.....
۱۷	۱-۸- ویژگی مترجم خوب.....
۱۸	۱-۹- روش های ترجمه.....
۲۰	۱-۹-۱ ترجمه لفظ به لفظ.....
۲۰	۱-۹-۲ ترجمه تحت اللفظی.....
۲۱	۱-۹-۲-۱: معایب و زیان های ترجمه تحت اللفظی.....
۲۱	۱-۹-۲-۲: فواید ترجمه تحت اللفظی.....
۲۲	۱-۹-۳- ترجمه وفادار.....
۲۲	۱-۹-۴- ترجمه معنایی (محتوایی).....
۲۲	۱-۹-۵- اقتباس.....
۲۳	۱-۹-۶- ترجمه آزاد.....

۲۴۱-۹-۷-ترجمه اصطلاحی
۲۵۱-۹-۸-ترجمه ارتباطی
	۲-انواع متن در ترجمه
۲۵۲-۱-متون ادبی و ترجمه آن
۲۷۲-۲-متون علمی و ترجمه آن
۲۷۲-۳-ترجمه متون دینی
۲۸۲-۳-۱-ترجمه نهج البلاغه به عنوان یک متن دینی
	۳-نقد ترجمه
۳۱۳-۱-نقد از دیدگاه لغوی
۳۱۳-۲-نقد از دیدگاه اصطلاحی
	۳-۳-انواع نقد ترجمه
۳۳۳-۳-۱-نقد ترجمه، مستقل از متن
۳۳۳-۳-۲-نقد تقابلی ترجمه
۳۴نتیجه
	فصل دوم: نهج البلاغه و مبانی استعاره
	بخش اول: نهج البلاغه و ویژگی های
۳۶۱-۱-حضرت علی(ع)
۳۷۱-۲-نهج البلاغه و ویژگی های آن
	۱-۳-شرح ها و ترجمه های نهج البلاغه
۴۰۱-۳-۱-شرح و تفسیر نهج البلاغه
۴۲۱-۳-۲-ترجمه های نهج البلاغه
47۱-۴-سخن بزرگان در مورد نهج البلاغه
۴۹۱-۵-پیوند نهج البلاغه با قرآن
۵۰۱-۶-بلاغت در نهج البلاغه
۵۲۱-۷-نگاهی گذرا بر ترجمه نهج البلاغه توسط سیدعلی نقی فیض الاسلام

۱-۸نگاهی گذرا بر ترجمه نهج البلاغه توسط محمد دشتی..... ۵۴

۱-۹نگاهی گذرا بر ترجمه نهج البلاغه توسط سید جعفر شهیدی..... ۵۶

نتیجه..... ۵۷

بخش دوم: مبانی استعاره

۱-۲ معانی استعاره..... ۵۸

۲-۲ آرای دانشمندان وادبا در مورد استعاره..... ۵۸

۲-۲- استعاره وزندگی..... ۶۰

۲-۳ ارکان استعاره..... ۶۱

۲-۴ تقسیم بندی استعاره..... ۶۲

۲-۴-۱- استعاره مفرد

۲-۴-۱-۱: استعاره تصریحیه یا مصرحه..... ۶۲

۲-۴-۱-۲: استعاره مکنیه یا بالکنایه..... ۶۳

۲-۴-۲- اصلیه و تبعیه

۲-۴-۲-۱: استعاره اصلیه (مکنیه و تصریحیه)..... ۶۳

۲-۴-۲-۲: استعاره تبعیه (مکنیه و تصریحیه)..... ۶۴

۲-۴-۳- استعاره به اعتبار اینکه مشبه با مشبه به...

۲-۴-۳-۱: استعاره مطلقه..... ۶۵

۲-۴-۳-۲: استعاره مرشحیه..... ۶۵

۲-۴-۳-۳: استعاره مجرد..... ۶۶

۲-۴-۴- عنادیه و وفاقیه

۲-۴-۴-۱: استعاره عنادیه..... ۶۶

۲-۴-۴-۲: استعاره وفاقیه..... ۶۶

۲-۴-۵- تهکمیّه و تملیحیه..... ۶۷

۶۸ ۲-۴-۶- استعاره تمثیلیه (المجاز المركب بالاستعاره التمثیلیه)

۶۹ ۲-۵- ترجمه استعاره

۷۷ نتیجه

فصل سوم: استعاره در خطبه های بیست و یکم تا پنجاهم نهج البلاغه و روش ترجمه

بررسی روش های ترجمه فیض الاسلام، دشتی و شهیدی در استعارهای خطبه ها...

۷۹ خطبه بیست و یکم

۸۱ خطبه بیست و دوم

۸۲ خطبه بیست و سوم

۸۶ خطبه بیست و چهارم

۸۷ خطبه بیست و پنجم

۹۰ خطبه بیست و ششم

۹۷ خطبه بیست و هفتم

۱۰۴ خطبه بیست و هشتم

۱۰۹ خطبه بیست و نهم

۱۱۱ خطبه سیم

۱۱۲ خطبه سی و یکم

۱۱۴ خطبه سی و دوم

۱۲۰ خطبه سی و سوم

۱۲۳ خطبه سی و چهارم

۱۲۸ خطبه سی و پنجم

۱۳۱ خطبه سی و ششم

۱۳۲ خطبه سی و هفتم

۱۳۵ خطبه سی و هشتم

۱۳۵	خطبه سی ونهم
۱۳۷	خطبه چهلم
۱۳۸	خطبه چهل ویکم
۱۳۹	خطبه چهل ودوم
۱۴۲	خطبه چهل وسوم
۱۴۴	خطبه چهل وچهارم
۱۴۴	خطبه چهل وپنجم
۱۴۷	خطبه چهل وششم
۱۴۷	خطبه چهل وهفتم
۱۵۰	خطبه چهل وهشتم
۱۵۱	خطبه چهل ونهم
۱۵۳	خطبه پنجاهم
۱۵۵	نتیجه
۱۵۶	منابع فارسی
۱۶۲	منابع عربی
۱۶۴	مجلات
۱۶۴	نرم افزارها

مقدمه :

کلام علی (ع) نمودار بلاغتی است که در جان و دل آدمیان کمند تأثیر افکنده است و نمونه و نمط والای سخنوری و طرح دردها و نشان دادن درمان هاست . او از مواهب بلند و سبک های ارجمندی از بلاغت بهره گرفته و نکته های گرانبهایی از سخن گستری را بر جامعه سخن و قلم از کانون (علم الانسان مالم يعلم) عرضه داشته است . ایجازها و اطناب ها که ریشه در عطف و حذف و ایهام و استعارات و تشبیه و کنایت و تضمین و تلمیح و حصر و قصر ، امر و نهی با همه معانی آن و لف و نشر و وصل و فصل و التفات و دیگر گونه های شکوهمند سخندانی و زیبایی ، همه پدیده هایی است که از کلام امیر مؤمنین و فرمانروای نکته سنجان برخاسته است . و ترجمه چنین سخن با همان شیوایی کاریست بس دشوار ، مخصوصاً دینی بودن آن اهمیت آن را دوچندان می کند .

بنابراین کسانی که دست به ترجمه این کتاب گرانقدر می زنند به خوبی واقفند که کوچک ترین سهل انگاری و عدم تخصص در موضوع می تواند تبعات و اثرات منفی و ویرانگری داشته باشد . و باید در زمینه های دینی، بلاغت و ترجمه دانش کافی را داشته باشند تا بتوانند یک ترجمه مطلوب را ارائه دهند .

همین اهمیت فوق العاده باعث شد که تا ترجمه یکی از شیوه های بلاغی این کتاب ارزشمند یعنی « استعاره » را در خطبه های ۲۱ الی ۵۰ مورد بررسی قرار داده و ترجمه آن را توسط سه مترجم مطرح نهج البلاغه (فیض الاسلام ، دشتی و شهیدی) مورد بررسی و انتقاد قرار دهیم .

قدیمی ترین مطالب بلاغی درباره کلام امیرالمؤمنین (ع) به صورت پراکنده توسط سید رضی در نهج البلاغه نگاشته شده است. از آن زمان تا کنون کتابی مستقل پیرامون چگونگی علم بیان در نهج البلاغه نگاشته نشده است تا نیاز پژوهشگران این عصر را برآورده سازد.

البته بعضی از شارحان نهج البلاغه با تأسی از سید رضی، ضمن شرح گفته های امیرالمؤمنین (ع) به تعدادی از استعاره ها، تشبیهات و کنایه ها به سبک سنتی اشاره کرده اند که شرح های نهج البلاغه ابن میثم بحرانی، ابن ابی الحدید، ملافتح الله کاشانی، شهید محمد تقی شوشتری و حبیب الله هاشمی خویی از آن نمونه اند. البته بعداً کتاب هایی چون «در آمدی بر صنایع ادبی در کلام امام علی (ع)» و «جلوه های بلاغت در نهج البلاغه» نیز به چاپ رسیده که آنها هم از منابع فوق تقلید نموده اند.

این رساله بر آن است تا با بررسی یکی از مهم ترین عنصرهای بلاغت را - استعاره - در ترجمه های دشتی، فیض الاسلام و شهیدی، روش ترجمه های آنان را بررسی و به نقاط ضعف و قوت آن اشاره کند و ترجمه پیشنهادی را ارائه دهد. و این فرضیه ها را بررسی کند که آیا فیض الاسلام در ترجمه استعاره پای بند به ترجمه واژه به واژه بوده است؟ آیا دشتی و شهیدی، در ترجمه استعاره به تشبیه بلیغ نظر داشته اند؟ کدام یک در ترجمه استعاره موفق تر بوده اند؟ بنابراین ضرورت انجام تحقیق با توجه با این نکته ناشی می شود که کدام یک موفق بوده اند.

بعد از بررسی تاریخی و اثبات مستند بودن خطبه ها و استخراج و شناسایی استعاره ها به بیان نوع آن ها و ذکر ارکان آن، ترجمه پیشنهادی خود را ارائه کردیم و بعد ترجمه های آقایان را با ترتیب نوشته و روش ترجمه آن ها را بیان داشته ایم.

این پایان نامه از سه فصل تشکیل یافته است.

۱- فصل اول : در این فصل سعی شده است تا موضوعاتی چون : ریشه لفظ ترجمه ، تعریف ترجمه ، تاریخچه و اهمیت ترجمه ، شیوه های ترجمه و نقد ترجمه و غیره به دقت مورد بررسی قرار گیرد .

۲- فصل دوم : این فصل با عنوان نهج البلاغه و مبانی استعاره در دو بخش تنظیم گردیده که بخش اول آن درباره ویژگی های نهج البلاغه ، ترجمه ها و شرح های نهج البلاغه و سخن بزرگان در مورد نهج البلاغه و غیره و بخش دوم آن با عنوان مبانی استعاره در موضوعاتی چون معانی استعاره ، آرای دانشمندان در مورد استعاره ، تقسیم بندی های استعاره و ترجمه استعاره مورد بررسی قرار گرفته است .

۳- فصل سوم : استعارهای خطبه های بیست و یکم تا پنجاهم و روش ترجمه آن ها توسط آقایان فیض الاسلام ، دشتی و شهیدی . این فصل آخرین فصل و مهم ترین فصل پایان نامه است که در آن شناسایی استعاره ها و تحلیل و نحوه ترجمه آن ها مورد بررسی قرار گرفته است .

در این رساله سعی بر آن بوده تا از معتبرترین منابع همچون « مفتاح العلوم » ، « اسرار البلاغه » « شرح ابن ابی الحدید » ، « شرح ابن میثم بحرانی » ، « شرح میرزا حیب الله خوبی » و غیره . در بخش استعاره و فصل آخر استفاده شود . که خود کمک شایانی در پیشبرد شناسایی استعاره داشته اند .

البته کشف و شناسایی استعاره خود نیازمند فهم دقیق متن نویسنده دارد . و رسیدن به این هدف نیازمند دقت و حوصله و وقت کافی است و این یکی از مشکلات اساسی در راه تدوین پایان نامه بود . ان شاء... که مثمر ثمر واقع شود .

در پایان خدای را به یگانگی می ستایم و بر پیامبرش درود می فرستم و از پیشگاه مولای متقیان پوزش می طلبم و بر خود وظیفه می دانم که از استاد راهنمایم جناب آقای دکتر حیدر محلاتی که نهایت تلاش خود را مبذول داشته اند و از استاد مشاورم جناب آقای دکتر سید محمد

رضی مصطفوی نیا که صادقانه ما را همراهی کرده اند تقدیر و تشکر به عمل آورم . خداوند از فضل و عنایات خاصه خود همگی را نصیب و تحت توجهات حضرت بقیه الله الاعظم قرار دهد .

حبیب برانیمه

زمستان ۱۳۸۹

فصل اول

ترجمه

مبانی و روشهای آن

۱-۱- ریشه یابی لفظ ترجمه:

در مورد ریشه ی ترجمه بحث های فراوانی که صورت گرفته، و نظریه های متفاوتی از سوی صاحب نظران و لغت شناسان ارائه شده است عده ای بر این باورند که:

«ترجمه واژه ای تازی است که در این زبان، با زیر جیم خوانده می شود؛ زیرا ریختی است در تازی که آن را «رباعی مجرد» می خوانند. این گونه واژگان از آن روی «چارگان» یا رباعی نام گرفته اند که در خاستگاه و آغاز، دارای چهار حرف اند؛ نیز از آن روی «مجرد» اند که هیچ افزونه ای بر آن افزوده نشده است. مصدر در این واژگان در ریخت «فَعَلَّه» به کار برده می شود. بنابراین «تَرْجَمَه» در لغت، برون «فَعَلَّه» مصدر رباعی مجرد از ماده «تَرْجَمَ يُتْرَجَمُ» به معنای برگرداندن کلام از زبانی به زبان دیگر است.^۱

مترجم در زبان تازی به معنی برگردانیده و ترجمه شده است. فرهنگ نویسان نیز ترجمه را برآمده از ترجمان شمرده اند و در بنیاد پارسی دانسته اند. ابن منظور در لسان العرب می نویسد:^۲

«تَرْجَمَانٌ وَ تَرْجَمَانٌ بِمَعْنَى مَفْسَرِ زَبَانٍ وَ نَاقِلِ آنَ از زبانی به زبان دیگر است.»

جوهری نیز در الصَّحاح^۳ ذیل ماده «رجم» می نویسد: «تَرْجَمَ كَلَامَهُ: یعنی سخن او را به زبانی دیگر تفسیر کرد.»

مرحوم دهخدا نیز در لغت نامه آورده است:^۴ «تَرْجَمَانٌ، تَرْجَمَانٌ، تَرْجَمَانٌ: شخصی را گویند که لغتی را به زبان دیگر تقریر کند. این لفظ عربی و اصل آن در فارسی تَرْزَبَانٌ بوده، آن

^۱ - میر جلال الدین کزازی، کندو کاوی در هنر ترجمه (ترجمانی و تَرْزَبَانِی)، چ ۱، (چاپ دیبا ۱۳۷۴)، ص ۱۰.
^۲ - لسان العرب، (قم: نشر آداب الخوزة، ۱۴۰۵ هـ ق)، ج ۱۱، ص ۲۲۸.
^۳ - الصحاح: تاج اللغة و صحاح اللغة. (تحقیق احمد عبدالغفور عطار)؛ چ ۱ (قاهره: دارالعلم للملایین ۱۹۸۷ م)، ج ۵، ص ۱۹۲۸.
^۴ - لغت نامه دهخدا؛ ذیل حرف «ت»

را مُعَرَّب کرده اند، تَرْزَفَان گفته اند. همچنین کسی که داننده دو زبان باشد که صاحب یکی زبان را به صاحب دیگر بفهماند و این معرَّب ترزبان است. و ضم جیم از آن است که ژبان به ضم اول است و به فتح نیز آمده است. و بعد از معرب کردن این لفظ، مصدر و افعال و اسماء از آن اخذ کرده اند چون تَرْجَمُ يُتَرْجَمُ تَرْجَمَهُ فَهُوَ مُتَرْجِمٌ. برخی دیگر این واژه را به ریشه آرامی ترگوم نسبت می دهند.»

ترجمان، با زبر یا پیش جیم، به معنی مترجم است. این واژه تازی شده «ترزبان» انگاشته شده است که کنایه ای است از شیوا گوی و نیکو سخن. اما پیشینه واژه ترجمان کهنتر از آن است که بتوان آن را تازی شده ترزبان در پارسی دری دانست. این واژه در ریخت ترگمان در پهلوی بکار برده شده است. ترگمان در بیتی کهنترین چامه (قصیده) ایرانی که تاکنون یافته شده است و چامه ای است دارای قافیه های نونی و سروده در زبان پهلوی، به کار برده شده است.

پیش ی لشگر برند پت سپاه سرداران مردی وسیل ایاید کردن، زیرک ترگمان^۱

از دیگر سوی، این واژه در نوشته های آشوری در ریخت ترگومانو (Targumanu) یافته شده است. برگردان تورات به زبان آرامی نیز، در این زبان ترگوم (Targum) یا ترجموم خوانده می شود. ترجمان، در زبان سریانی نیز، در ریخت های ترگمانا (Targmana) و تورگومونا (Turgom ona) به کار برده می شده است.^۲

^۱ - کندو کاوی در هنر ترجمه؛ ص ۱۱.
^۲ - همان، ص ۱۲.

۱-۲- تعریف ترجمه :

امروزه صاحب نظران ترجمه و مترجمان برتر تعریف هایی را در رابطه با «ترجمه» عرضه کرده اند که خیلی به هم نزدیک و شبیه اند. طاهره صفار زاده به نقل از نایدا (م ۱۹۶۴م) یکی از مشهورترین صاحب نظران و مترجمان، ترجمه را چنین تعریف می کند: «ترجمه عبارت است از نزدیکترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک»^۱. مترجمان و کارشناسان و نویسندگان نیز نظر خود را به پرسشنامه مجله دلوس Delos در رابطه با ترجمه خوب اینگونه بیان کرده اند: «ترجمه خوب عبارت است از نزدیکترین معادل در زبان مترجم برای مطلب مورد ترجمه، با حفظ مشخصات متن اصلی تا آنجا که ظرفیت زبان اول ایجاب بکند و عجیب و دور از ذهن ننماید»^۲.

اگر به تعریف های به عمل آمده از ترجمه توجه شود، سه خصیصه در آنها قابل ملاحظه و تأمل است و آن: زبان مبدأ، زبان مقصد و یافتن نزدیکترین معادل از زبان مقصد برای زبان مبدأ می باشد. پس می توان نتیجه گرفت که پل ارتباطی بین دو زبان مبدأ و مقصد در ترجمه «معادل یابی دقیق» می باشد. که توجه ناقد یا نظریه پرداز ترجمه باید بیشتر روی این مقوله باشد. در ترجمه علاوه بر انتقال گفته نویسنده، شاهد انتقال فرهنگ ها، آداب و رسوم ها، اعتقادات خاص و غیره هستیم. علی صلح جو از صاحب نظران مطرح ترجمه، پیامد پوشیده ترجمه را تعدیل مفاهیم و تعدیل نگرش و جهان بینی صاحبان زبان مقصد می داند.^۳

۱-۳- تاریخچه ترجمه :

^۱ . اصول و مبانی ترجمه، چ ۶، (تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۴ ه ش)، ص ۲۶.

^۲ . همان.

^۳ . ر.ک. به: «ترجمه، تعدیل مفاهیم»، چ ۱، مجموعه مقالات ۲ هم اندیشی ترجمه شناسی، ([بی جا]: انتشارات یلدا قلم، ۱۳۸۳ ه ش)، ص ۴۹.

فراگیری زبان سایر ملت ها ، تاریخی چند هزارساله دارد و مسئله ای جدید و صرفاً پدیده ای از پدیده های قرن بیستم نیست.^۱ از زمانی که اجتماع گزینی انسان تا آن جا وسعت یافت که ملت ها و کشورهای مستقل پدید آمد ، نیاز به برقراری ارتباط بین آن ها نیز به عنوان امری ضروری و حیاتی احساس شد . در جهان امروز نیز که ویژگی برجسته آن وجود و لزوم ارتباط و همکاری در زمینه های مختلف بین کشورها می باشد ، همواره تلاش گسترده ای برای تسهیل هرچه بیشتر این ارتباط در جریان بوده است . در این راستا آشنایی با زبان ملت های مختلف نیز به عنوان وسیله ایجاد این ارتباط پیوسته ضرورتی غیرقابل اجتناب بوده و اختراع و تکامل راه ها و وسایل مخابراتی صرفاً به منظور تسهیل و تسریع آن است .

در تمامی طول فرهنگ بشری ترجمه میان زبان ها با نمودی روشن و نمونه هایی بسیار به چشم می خورد . تاریخ ترجمه به گذشته های اساطیری برمی گردد .^۲ در راستای توراتی برج بابل پدیده ای چند زبانی به عنوان مشکل پراکندگی آوری مطرح گردیده است که ارتباط میان انسان ها را ناممکن می سازد و آن را از تفاهم و هم سویی در کار و کردار باز می دارد . هر جا که سخنوران زبان های گوناگون با یک دیگر سرو کار می یابند ، در فهم گفتاری و نوشتاری یک دیگر به ترجمه نیازمندند . در عصر ما که برافتادن مرز میان ملت ها یکی از شاخص های آن است ، نیاز به ترجمه ابعادی هر دم گسترده می یابد . طبیعی است در گنجایش این بخش نیست که حتی چکیده ای از تاریخ ترجمه را ، از زمان مصر باستان تا به اکنون ، به دست دهد .

^۱ . غلام رضا رشیدی ، ترجمه و مترجم ، چ ۱ ، (مشهد : انتشارات آستان قدس رضوی ، ۱۳۷۲) ، ص ۹ .
^۲ . حسین یعقوبی ، زبان ، ترجمه ، و ارتباط فرهنگ ها ، چ ۱ ، (تهران : نشر مرکز ، ۱۳۸۴) ص ۵ .

۱-۴- اهمیت ترجمه :

در دنیای امروز ، ترجمه یکی از عوامل موثر برای انتقال مفاهیم و فرهنگ یک زبان به زبان دیگر به شمار می رود . البته موضوع نیاز به علوم و دستاوردهای شگرف علمی دیگران و سهولت ارتباط بین کشورها و بالاخره برگرداندن اخبار و افکار ملت ها ، اهمیت ترجمه را در عصر حاضر تشدید می کند . یکی از نویسندگان معاصر عرب می گوید :^۱ « رسالت ترجمه یک ضرورت انسانی است و یک ملت هرچند پیشرفته و مترقی باشد نمی تواند به میراث علمی خود بسنده کرده و از میراث همگانی ملت ها که مجسم در ادبیات ملت های عرب و عجم و خاور دور و نزدیک است ، بی نیاز باشد .

کاروان تمدن انسان در مسیر حرکت از چپ و راست تغذیه می کند ؛ دانه ای از این جا و از آن جا می گیرد و بین حقایق و وقایع اکتشافات و اختراعات که در این جا و آن جا به وجود می آید ؛ تناسب و هماهنگی برقرار می کند .»

بر این قیاس ؛ ترجمه موجب استکمال معارف ملت ها می گردید و نمی گذارد دانش آن ها در یک مرز خاص توقف کرده و راکد باقی بماند و به آن چه از علوم و دانستنی ها که نزدشان است بسنده کنند ، بلکه با دست یابی به آثار دیگران از راه ترجمه ، شخصیت علمی و معنوی خود را رشد داده و آن را بارور سازند .

دانشمند دیگری می گوید :^۲ «علوم و دانش ها دارای وطن خاص نبوده و محدود به مقررات منطقه ای که علوم اجتماعی جدید وضع کرده نیستند . بلکه آن ها از مرزهای تعیین شده از سوی سیاست مداران و جغرافی دانان گذشته و از اقالیم محدود و تنگ افکار عبور کرده ، بی توجه به مسائل زبان شناسی و مذهبی و غیره از ذهنی به ذهن دیگر منتقل می شوند . علوم و معارف بشری عمومی و همگانی است و مانند جریان هوا از نقطه ای به نقطه دیگر سرازیر می

^۱ محمد عبد الغنی حسن، فن ترجمه در ادبیات عربی ، (ترجمه دکتر عباس عرب) ، ۱، (مشهد ، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶) ص ۱۱ .
^۲ محمود حدادی، مبانی ترجمه ، ص ۳ .